



انقلاب ستیزی خط اعتدال برای گرفتن آوانس از آمریکا

از هرگونه شرایطی در امر پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنیم و تا مادام که خط اسلامی در جامعه ما حاکمیت پیدا نکند، جنبش اسلامی ادامه دارد.»

شهید محمد منتظری آنگاه جریان‌های موجود در صحنه سیاست ایران را به دو خط انقلابی و اسلامی به رهبری امام خمینی و خط سیاسی اعتدالی تقسیم می‌کند و می‌نویسد: «هم اکنون، دو خط سیاسی در ایران جریان دارد: ۱. خط انقلابی که خط جنبش اسلامی است و امام خمینی سمبل آن را تشکیل می‌دهد. ۲. خط سیاسی اعتدالی. که خواسته‌ها و شعارهای این دو خط متفاوت است. خط اول، حملات خود را به طرف مراکز اصلی توطئه‌ها و جنایت‌ها یعنی شاه و رژیم او و اربابان آمریکائیش متوجه ساخته، و خط دوم گوئی در سال‌های ۳۹ - ۱۳۴۰ بسر می‌برند و شعارهایی در چهارچوب قانون اساسی مطرح می‌کنند. در صورتی که در شرایط کنونی، بدترین سوء استفاده‌ها از این شعار خواهد شد و مستقیم و غیر مستقیم، پایه‌های لرزان حکومت شاه را استحکام می‌بخشد. خط دوم، تصور می‌کند که به برخی اهدافش که عمده است خواهد رسید و حال آن که خط اول، بزرگ‌ترین ارزشی که در شرایط کنونی برایش متصور می‌باشد، استفاده از آن به منظور پیشبرد جنبش اسلامی است.

شهید محمد منتظری با اشاره به این نکته که فداکاری‌ها و شهادت‌ها موجب عقب‌نشینی آمریکایی‌ها و سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشری شده است که آنان امتیازاتی را در این مقطع به مردم ایران بدهند و از حقوق بشر سخن بگویند.

به بازی اعتدالیون در زمین آمریکایی‌ها می‌پردازد و دو قطبی کردن جامعه و اختلاف‌افکنی در صف مبارزان را از پیامدهای رویکرد اعتدالیون می‌خواند که در نهایت هم به نفع آنان تمام نخواهد شد، چرا که خواسته‌های آمریکایی‌ها هیچگاه حد و حصری نداشته و ندارد. او می‌نویسد: «غارگران خارجی که در رابطه با مصالح خود تصمیم می‌گیرند، هیچگاه دلشان برای حقوق بشر و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی و... نسوخته است. همین فداکاری‌ها و شهادت‌ها و مبارزات انقلابی گذشته و وحشتی که در این رابطه برای آنان پدید آمده، موجب این تحولات و تغییر شرایط سیاسی است. آنان تا خطر را لمس نکنند به فکر حقوق بشر! نمی‌افتند. آمریکایی‌ها اینطور تصور می‌کنند که برخی از آزادی‌های نیم‌بند داده شود، برخی از شخصیت‌های برخوردار از وجاهت ملی دستشان در حکومت بند بود، برخی از مردم و مبارزین هم تخدیر شده به خط سیاسی اینگونه‌ای کشیده شده همگی از حالت مبارزاتی به حالت مؤسساتی تبدیل گردند و نگاه سیاسیون دست بند شده، بمنظور حفاظت از مصالح سیاسی که شرایط جدیدشان در ذهنشان میسازد، به جان نیروهای انقلابی تسلیم نشده می‌افتند آنان هم به جان سیاسیون، فاصله‌ای عمیق میان نیروهای انقلابی و سیاسیون به قدرت رسیده پدید می‌آید. دستجات سیاسی ضد

شهید محمد منتظری در سال ۱۳۵۶ و در نامه‌ای خطاب به روحانیون در تبعید با اشاره به «رسیدن جنبش اسلامی» به «مرحله‌ای حساس و امیدوارکننده» و «اهمیت سوق‌الجیشی و استراتژیک ایران» برای کشورهای بزرگ و استعمارگر و چندین برابر شدن این اهمیت به دلیل «تکامل مبارزات در ایران به طرف جنبش اسلامی و در نتیجه توده‌ای شدن آن» از تغییر رویکرد آمریکایی‌ها در برخورد با انقلابیون و نهضت امام خمینی سخن به میان می‌آورد که او این تغییر رویکرد را در ادامه ناکارآمدی آمریکایی در مهار نهضت برمی‌شمارد و با استناد به گزارش ۱۳۰ صفحه‌ای سنای آمریکا و دل‌نگرانی آنان در حمایت همه جانبه از رژیم پهلوی و به خطر افتادن منافع آنان در آینده ایران، با بیان این که «مردم در حال انفجار را بایستی با یک سلسله آوانس‌هایی تخدیر کرد و روحیه انقلابی را ربود...!»

شهید محمد منتظری با اشاره به ایجاد فضای انتقاد از رژیم پهلوی و حرکت‌های تخدیری، روزنامه‌ها و مجلات، سازمان عفو بین‌المللی، کمیسیون حقوق بشر و... برای جلوگیری از سقوط رژیم و بند کردن دست برخی سیاسیون در جریانات حکومت و کشاندن برخی از انقلابیون به این مسائل می‌نویسد: «برخی از سیاسیون ایرانی به جنب‌وجوش افتادند و فعالیت‌هایی را شروع کردند و شعارهایی را برگزیدند که برخوردی با رژیم و شاه نداشته باشد و آمریکایی‌ها هم نرنجند تا شاید بتوانند آوانس‌هایی بگیرند. آمریکایی‌ها هم در فکرشان هست که با اعطای یک سلسله آوانس‌ها، دست یک عده سیاسیون را در جریانات حکومتی بند کنند. برخی از انقلابیون را به این مسائل بکشاند و برخی دیگر را از طریق سیاسیون ملی، و نه شاه، از صحنه بدر سازند و در شرایط خاصی هم که عملیات انقلابی صورت می‌گیرد، جلوگیری بعمل آید.»

شهید محمد منتظری با اشاره به مستأصل شدن جریان‌های چپ‌گرا و راست‌گرا و باقی ماندن مبارزین اسلامی و جریان اسلامی تا حاکمیت «خط اسلامی» و به فرجام رسیدن «جنبش اسلامی» ادامه می‌دهند. «خوشبختانه مبارزین اسلامی، تاکنون در مقابل خط جدید آمریکا، به چپ‌روی عملی و راست‌گرایی مبتلا نشده‌اند چپ‌های افراطی، بر اثر دگماتیسم حاکم بر افکارشان و نیز وابستگی‌های مستقیم و یا غیر مستقیم به سیاست‌های خارجی خیلی دیر متوجه قضایا می‌شوند. راست‌گرایان هم به سرعت تسلیم شرایط جدید شدند و آنچنان حالت انفعالی بخود گرفتند تا شاید آمریکایی‌ها به آنان دل بسته و هرچه زودتر و سریعتر آوانس‌هایی به دست آورند. ولی کسانی که بخاطر پیشبرد جنبش اسلامی در میدان مبارزه دست و پنجه نرم می‌کنند (که اکثریت را هم تشکیل می‌دهند) هم شرایط را درک می‌کنند، که بهترین بهره‌بردارها را داشته باشند و هم فریب چند آوانس آمریکائیزه را نمی‌خورند. و مگر جنبش اسلامی به پیروزی رسیده است که به شرایط دل بسته و به درجا زنی در غلطیم؟ ما



شهید محمد منتظری در اظهار نظری دیگر که نشان از بصیرت سیاسی او داشت - و به حق امام راحل از دید او به دید وسیعی یاد کرد - تنها راه گرفتن امتیاز از آمریکایی‌ها را حرکت رو به جلو و برخورد انقلابی می‌داند و با اشاره به جریان اعتدال به عنوان جریانی که برخی عمداً و برخی سهواً حرکت امام خمینی رحمه‌الله و خط اول را فراموش کرده و ضمن افتادن به در یوزگی در مقابل آمریکا و به بار آوردن زیان‌هایی برای خط اول، از یاران امام می‌خواهد سطح شعارها و خواسته‌های خود را بالا ببرند.

را بکوبند تا نیروهای اسلامی در ایران چشمشان حساب افتد و ماست‌ها را کیسه کنند.

او که در این نامه خواستار آغاز نهضت نامه نگاری به ویژه نامه به امام خمینی رحمه‌الله و اعلام حمایت از او می‌شود حرکت رو به جلو خط اول و فراگیر شدن آن در جامعه و اقبال عمومی از سوی توده‌ها را مرهون قاطعیت امام خمینی در رهبری نهضت برمی‌شمارد که سرانجام همه گروه‌ها را از صحنه خارج و حتی معتدلین را به تسلیم و اخواهد داشت او می‌نویسد: «مسائل روزمره ایران و قاطعیت ارزنده‌ای که آقای خمینی از خود نشان می‌دهند، روز بروز خط اول را آنچنان پابرجا و وسعت می‌بخشد که معتدلین سیاسی را عملاً به دنبال خود می‌کشاند و اقدامات شماها در تسریع این امور بسیار مؤثر است.

بررسی جریان‌های اخیر به خوبی نشان می‌دهد که چه، آنگونه که برخی تصور می‌کردند، آنچنان محلی از اعراب در صحنه مبارزات ایران ندارد و حتی برای نمونه در کلیه شعارهای اقشار و طبقات گوناگون اجتماعی که به تظاهرات و اعتصابات دست می‌زنند، به شعاری که وجه مارکسیستی داشته باشد برخورد نمی‌کنیم و اکثراً اسلامی است. فعالیت‌های ایدئولوژیک، سیاسی، و نظامی مسلمانان، عملاً دیگران را از صحنه پرتاب می‌کند و منافق شدن این و آن و انحراف چند نفر جوان، قادر به تغییر خط صحیح مبارزه در ایران نخواهد بود.»

ایستادگی انقلابیون خط اول به رهبری امام خمینی رحمه‌الله در دوران نهضت که با بصیرت مردم ولایتمدار در شناخت خط اسلام اصیل با خطوط انحرافی و موازی همراه بود سرانجام انقلاب را به پیروزی رساند، نظام ستم‌شاهی را ساقط و پرچم آمریکا را به زیر کشید، و همه احزاب و گروه‌های چپ و راست را بر آن داشت تا در برابر قانون اساسی که مردم به آن رأی داده‌اند سر تسلیم فرود آورند، در این میان تلاش‌های جریان اعتدال نخست توانست رژیم را نجات و دروازه‌های ایران را به روی آمریکای جنایت‌کار و یغماگر باز بگذارد.

خط اعتدال دوم که شهید بهشتی در نامه‌اش به حضرت امام در سال ۱۳۵۹ از آن به جریان «بینابین» یاد کرد و از ویژگی افراد آن به ضعیف بودن توکل و تعبد افراد آن و شیفتگی و سازش در برابر غرب برشمردند، در سال‌های نخست انقلاب به دنبال حاکمیت لیبرال‌ها و به اهتزاز درآوردن پرچم دوباره آمریکا در سرزمین ایران برآمدند که با رهبری امام و تلاش انقلابیون و بصیرت مردم بار دیگر در رسیدن به اهدافشان ناکام ماندند و اما امروز، رهبری همان رهبری است و انقلابیون همان انقلابیون و مردم همان مردم.

منبع‌نامه:

۱. زندگینامه شهید محمد منتظری، احمد صادقی اردستانی، ص ۱۲۷ الی ۱۴۶.

و نقیض در صحنه سیاست درست میشود و هر تیبی به رقابت با دیگری می‌پردازد... و آنگاه آیا چند نفر سیاسی که حمایت و تأیید نیروی انقلابی و مردمی را از دست بدهند، یارای مقاومت در مقابل خواسته‌های بی‌حد و حصر آمریکائی‌ها خواهند داشت؟ و آیا جز سقوط و یا تسلیم راه دیگری در پیش هست؟ در صورتی که نیروهای سیاسی هنگامی می‌توانند در مقابل فشارهای بیگانگان عرض اندام کنند که از حمایت نیروهای انقلابی و یا ارتشی ملی برخوردار باشند. نتیجه آنکه هم جنبش اسلامی ضربه می‌خورد و هم سیاسیون به خواسته‌ها و اهداف خود نمی‌رسند و وجاهت ملی خود را هم از دست می‌دهند... مطلوب اربابان هم همین است.»

شهید محمد منتظری در اظهار نظری دیگر که نشان از بصیرت سیاسی او داشت - و به حق امام راحل از دید او به «دید وسیعی» یاد کرد - تنها راه گرفتن امتیاز از آمریکایی‌ها را حرکت رو به جلو و برخورد انقلابی می‌داند و با اشاره به جریان اعتدال به عنوان جریانی که برخی عمداً و برخی سهواً حرکت امام خمینی رحمه‌الله و خط اول را فراموش کرده و ضمن افتادن به در یوزگی در مقابل آمریکا و به بار آوردن زیان‌هایی برای خط اول، از یاران امام می‌خواهد سطح شعارها و خواسته‌های خود را بالا ببرند او می‌نویسد: «اگر کلیه نیروها خط اول را برگزینند و سطح شعارها و خواسته‌ها را بالا برده، با قاطعیت و جدیت مسائل را مطرح کنند، نیروهای انقلابی و سیاسی، در رابطه با یکدیگر و تأثیر و تأثر متقابل تکامل باری که به دنبال دارد... رشد یافته، وحشت رژیم شاه و وحشت آمریکائی‌ها از جهت مصالح خود چندین برابر می‌شود و آنگاه است که مجبور می‌شوند آوانس‌های بسیاری به مردم بدهند و در چنین شرایط است که می‌توان در مقابل بسیاری از زورگوئی‌ها و فشارها ایستادگی کرد. درست است که با اتخاذ چنین سیاستی، حتی حل نیم‌بند مسائل هم بطول می‌انجامد، ولی در مقابل، رشد جنبش افزون‌تر شده و افراد و ادراهی مناسب و ارزنده‌ای در این میان ساخته می‌شوند. بسیاری از سیاسیون معتدل ما برخی عمداً و برخی سهواً خط اول و امام خمینی (ره)، سمبل آن را فراموش کردند. زیرا که خط اول قابل انعطاف و حاضر به در یوزگی بخاطر چند آوانس سیاسی بی‌محتوا نیست و در این رابطه چه زیان‌هایی کردند و برخی زیان‌ها هم بیار می‌آورند.»

شهید محمد منتظری در این نامه تاریخی با اشاره به این که «تسل جوان و نیروهای انقلابی و توده‌های مسلمان عملاً طرفدار خط اول هستند» برخوردهای خشن و غیر انسانی رژیم در منگنه قرار دادن پیروان خط اول و مجبور کردن آنان به پذیرش خط اعتدال می‌داند و می‌نویسد: «تعبد شماها در رابطه با تصور ایراد ضربه به خط اول صورت گرفته و خواسته‌اند یا خط اول را کور کرده تحت‌الشعاع قرار دهند و دست‌های تأدیبی آنان را پذیرفته به خط دوم روی آورید. کشتار قم در ۱۹ سال جاری هم بر همین اساس تفسیر می‌گردد. بچگانه تصور کردند که اگر روحانیت و آزادمردان